

نویسنده: سالی نیکولز
مترجمان: میلاد بابانژاد، الهه مرادی

جزیره‌ی خوددمان





جزیره‌ی خودمان

به برادرم، جاناتان گفتم که می‌خواهم کتابی درباره‌ی تمام اتفاقات پارسال بنویسم. راجع به آن سفینه‌ی فضایی که خودمان ساختیم و قفل‌هایی که بواسطی‌ی باز کردیم و جوشکاری و ترکیدن ماشین ظرفشویی و سفرمان به آن جزیره که قدمتش به عصر وایکینگ‌ها و حتی قبل‌تر برمی‌گشت و از همه مهم‌تر درباره‌ی گنج خاله‌آیرین و همه‌ی بلاهایی که برای پیدا کردنش سرمان آمد.

گفتم: «محشر می‌شه! یه اسم خیلی خوب هم براش پیدا کردم. جزیره‌ای برای خود خودمان. قشنگه نه؟»

1. Jonathan

2. Irene

جاناتان گفت: «ما که جزیره نداریم! هر کی اسم کتاب رو ببینه فکر می‌کنه مثل کتاب پرستویی‌ها و آمازونی‌ها^۱ داستان بچه پولدارهاست. بعد که کتاب رو بخون و بفهمن جزیره‌ای در کار نیست، شک نکن ازت متنفر می‌شن و اون وقته که یه نارنجک بردارن و از پنجره‌ی اتاقت بندازن تو.»

گفتم که هیچ کس به خاطر اسم کتاب نارنجک پرت نمی‌کند؛ اما جاناتان گفت حشم طرفدارهای افراطی را دست کم نگیرم. «همین طرفدارهای جنگ ستارگان^۲ رو ببین. یکیش خود من، اگه می‌دونستم نارنجک انداختن توی اتاق جورج لوکاس^۳ باعث می‌شه شخصیت جار جار بینکس^۴ رو از قسمت تهدید شبح^۵ حذف کنه، حتماً این کار رو می‌کردم.»

۱. Swallows and Amazons نام مجموعه کتاب کودکان معروفی اثر آرتور رنسام که درباره‌ی ماجراجویی‌های فرزندان دو خانواده در تعطیلات تابستان است و تاکنون فیلم‌ها و سریال‌های زیادی از روی آن ساخته شده که جدیدترین آن فیلمی با همین نام محصول سال ۲۰۱۶ آمریکا است.

۲. Star Wars مجموعه فیلم‌های جنگ ستارگان اثر جورج لوکاس
3. George Lucas

۴. Jar Jar Binks یکی از شخصیت‌های مجموعه‌ی جنگ ستارگان

۵. The Phantom Menace قسمت اول از مجموعه‌ی جنگ ستارگان

با اینکه می‌دانستم جاناتان چقدر به فیلم‌های جنگ ستارگان علاقه دارد اما باز هم به نظرم سخت می‌گرفت. جاناتان گفت که نباید از آدم‌های متعصب انتظار رفتار منطقی داشت. خودم هم این حرف را تا حدی قبول دارم.

برای همین گفتم که اول کتاب، محض احتیاط هم شده می‌گویم که منظورم از اسم کتاب یک جزیره‌ی واقعی نیست و یک جزیره‌ی استعاری است. (گرچه در داستان نه یکی، بلکه چندتا جزیره‌ی واقعی وجود دارد.) پس لطفاً به جای ناراحت شدن و نارنجک پرت کردن، برایم کیک بفرستید.

«اینم از این. راضی شدی؟ می‌شه دیگه شروع کنم؟»



چیزهایی که باید درباره‌ی من بدانید

حالا برویم سراغ چیزهایی که باید درباره‌ی من بدانید. اسم من هالی تریزا کنت^۱ است. تا به حال در عمرم کتابی ننوشته‌ام که تعجبی هم ندارد، چون فقط سیزده سال دارم، اما اصلاً نگران نباشید، کتاب زیاد خواندم و خوب می‌دانم که اول از همه باید شخصیت‌ها را معرفی کنم. فرض کنید می‌خواهم کتابم را مثل داستان‌های شرلوک هولمز^۲ شروع کنم. در کتاب‌های شرلوک داستان این‌طوری شروع می‌شود که چند نفر در خانه‌اش را می‌زنند و هولمز با یک نگاه به آنها همه‌چیز را حدس می‌زند. با

1. Holly Theresa Kennet

۲. Sherlock Holmes مجموعه داستان‌های پلیسی معروف انگلیسی

اثر سر آرتور کانن دوویل

ورانداز کردن دختر حدس می‌زند که چپ‌دست است و شغلش خیاطی است و فلوت هم می‌زند. از بوی دهانش هم می‌فهمد که عاشق تروسی پیاز است. با ورانداز مرد هم حدس می‌زند که سرهنگ بازنشسته‌ی ارتش باشد و از حالت چشم‌هایش می‌فهمد دچار کم‌خوابی است و حیوان خانگی‌اش هم همستر^۱ است.

راستش را بخواهید من هم خیلی سعی کردم این کار را روی دیگران امتحان کنم، اما حدس زدن در زندگی واقعی خیلی سخت‌تر از کتاب‌هاست؛ مثلاً، همین الان عکسی از من و دوستان مدرسه‌ام اینجاست که پارسال، درست قبل از اینکه تمام این داستان‌ها شروع شود، گرفته شده. (الان البته قیافه‌ام کمی فرق کرده و موهایم بلندتر است.) با دیدن این عکس چه چیزی درباره‌ام می‌شود حدس زد؟ خب، می‌شود گفت که حدوداً دوازده سال دارم و مشخص است که به مدرسه‌ی سنت آگوستین^۲ می‌روم. لباس فرم زشت مدرسه که شبیه الویوم کرده، این را لو می‌دهد. با دیدن عکس متوجه می‌شوید که زیاد اهل قر و فر نیستم. موهایم خیلی ساده، مثل هاپوها، روی چشمانم ریخته و مشخص است از آخرین باری که آنها را اصلاح کردم مدت‌ها گذشته و همین‌طور اصلاً آرایش ندارم. برعکس سوفیا^۳ و کالی^۴ که جدا از آرایش، ناخن

2. St. Augustine

۱. نوعی موش خانگی

3. Sufiya

4. Kali

مصنوعی هم کاشتند و هر کار بکش و خوشگلم کنی که در مدرسه ممنوع است را انجام داده‌اند و هیچ کس هم عین خیالش نیست. در عکس می‌بینید که فقط من و ایسی^۱ سفیدپوست هستیم و از روی همین می‌شود محله‌ی زندگی‌مان را حدس زد. ما در محله‌ای از لندن زندگی می‌کنیم که معروف است به - چه جوری بگویم - محله‌ی ملیت‌ها و فرهنگ‌های مختلف. خانه‌ی ما آپارتمانی کوچک بالای یک غذافروشی سطح پایین است. در محله‌ی ما انواع و اقسام رستوران‌ها و خوراکی‌فروشی‌ها پیدا می‌شود. از آن محله‌هایی است که می‌توانید هرچیز خوشمزه‌ای را که هوس کردید بخرید. مثلاً یاقلوا، انار، خرمالو، شیرینی هندی، یا یک کیسه‌ی بزرگ برنجک. در محله‌ی ما مغازه‌هایی هستند که لباس ساری^۲ را در صدها رنگ مختلف می‌فروشند و رستوران‌هایی که فقط و فقط غذاهای لهستانی سرو می‌کنند یا کافی‌شاپ‌هایی که برای مشتریان‌شان قلیان می‌آورند.

چند سال پیش عاشق مجموعه‌کتابی به نام مدرسه‌ی بیلاقی^۳ بودم. داستان کتاب درباره مدرسه‌ای در کوه‌های

۲. لباس سنتی هندوستان
۳. The Chalet School مجموعه‌ای شامل شصت داستان در مورد مدرسه اثر النور برنت دایر که در بین سال‌های ۱۹۲۵ تا ۱۹۷۰ چاپ و منتشر شده است.

آلپ بود و بچه‌های این مدرسه از کشورهای مختلفی آمده بودند و به زبان‌های مختلفی صحبت می‌کردند و به‌جای درس خواندن یکسره از کوه‌ها بالا می‌رفتند و همیشه‌ی خدا هم یک نفر از گروه جدا می‌شد و از صخره‌ها پایین می‌افتاد. مدرسه‌ی ما در کوه‌های آلپ نیست و درس‌های ما هم حسابی کسل‌کننده است، اما اگر خوب دقت کنید کمی شبیه مدرسه‌ی بیلافی می‌شود. بچه‌های مدرسه‌ی ما هم از همه‌جای دنیا هستند و آن هم نه فقط از کشورهای حوصله‌سری مثل سوئیس، بلکه از کشورهای هیجان‌انگیزی مثل هند، پاکستان، بنگلادش، کنیا، اتیوپی، یا کلی‌جاهای باحال دیگر که وقتی دانشمند محیط زیست شوم حتماً به دیدن‌شان می‌روم. شاید هم یک فعال محیط زیست شوم و برای صلح سبز کار کنم، هنوز تصمیم نگرفته‌ام. البته باید با کشتی سفر کنم، چون من مخالف هواپیما و کربن‌زیادی که تولید می‌کند هستم. به راحتی می‌توانم با کشتی به آفریقا بروم. در گذشته و دوره‌ی ملکه ویکتوریا^۳ همه همین‌طور سفر می‌کردند. عمه و عموی دوستم

1. Alp

۲. Greenpeace نام یک سازمان غیر دولتی مدافع محیط زیست است که در بیش از ۴۰ کشور دنیا دفتر داشته و بخش هماهنگی‌های بین‌المللی آن در آمستردام هلند قرار دارد.

۳. Victorian Era دوره‌ی اوج انقلاب صنعتی و اوج امپراتوری بریتانیا

سزوی در آفریقای جنوبی هستند و او می‌گوید که می‌توانم چند روزی پیش‌شان بمانم. دوست دیگرم نیمه‌آهم گفته می‌توانم در پاکستان پیش پدر بزرگ و مادر بزرگش بروم. این جور پول هتل نمی‌دهم و در هزینه‌های دیگر هم صرفه‌جویی می‌کنم.


بگذریم. غیر از اینها، که می‌توانید در عکس ببینید که کیف مدرسه‌ام با چسب برزنتی به هم وصل شده و کاپشنم برایم کوچک است و دکمه‌هایش به هم نمی‌رسند. چیزی که نمی‌توانید بفهمید این است که کفشم کمی تنگ است و نوک پایم را می‌زند و لباس مدرسه هم برایم خیلی بزرگ است. این لباس برادرم جاناتان بوده که هفت سال از من بزرگ‌تر است. اگر شرلوک هولمز بود احتمالاً می‌توانست گشادی لباسم را تشخیص دهد، اما شما مطمئناً با دیدن این عکس نمی‌توانستید بفهمید، چون رویش کاپشن پوشیدم.

شاید به خاطر کفش‌های زیادی کوچکم و لباس زیادی بزرگم، شرلوک هولمز فکر کند که مادرم خیلی به من توجهی ندارد. اما درستش این است که من مادر ندارم. یازده سالم بود که مادرم فوت کرد و پدر هم ندارم. پدرم وقتی شش ساله بودم فوت کرد. من یک یتیم واقعی و به تمام معنا هستم. شاید در کتاب‌ها به یتیم‌های زیادی برخورده باشید، اما تنها یتیم‌هایی که من در واقعیت دیده‌ام، خودم و برادر بزرگ‌ترم

انسان جزیره‌ای دورافتاده نیست؛ همه جزئی از یک قاره هستیم، جزئی از یک کل...

بعد از مرگ مادر، هالی و دو برادرش می‌خواهند همچنان با هم زندگی کنند. جاناتان، برادر بزرگ‌تر مسئولیت خواهر و برادر کوچک‌ترش را به عهده می‌گیرد اما هزینه‌ها و تربیت دیوی و مشکلات هالی به قدری زیاد است که گاهی آنها را خسته می‌کند، و اگر از پس مشکلات برنیایند سازمان تأمین اجتماعی آنها را از هم جدا می‌کند و به گوشه‌ی دوری می‌فرستد. در بین این مشکلات، خاله آیرین با وصیت‌نامه‌ی میهمش آنها را با معمایی بزرگ درگیر می‌کند. معمایی که هالی گمان می‌کند با حل آن، همه‌ی مشکلات‌شان حل می‌شود...

www.peydayesh.com

 [telegram.me/peydayeshpublication](https://t.me/peydayeshpublication)

 [peydayeshpublication](https://www.instagram.com/peydayeshpublication)

چهار دوره ناشر نمونه‌ی کشور ۷۶ / ۸۳ / ۸۷ / ۹۲

سه دوره ناشر تقدیر شده ۸۱ / ۸۲ / ۸۶

ناشر برگزیده‌ی جشنواره‌ی کتاب پرم ۹۴

دفتر و فروشگاه مرکزی: خ انقلاب، خ فخر رازی، خ شهدای ژاندارمری غربی، پ ۸۶

تلفکس: ۶۶۴۰۱۵۱۴ - تلفن: ۶۶۹۷۰۲۷۰

فروشگاه شعبه ۲: خ پاسداران، خ شهید پایدار فرد

خ شهید فلاح‌زاده (گلستان دوم)، پ ۱۰۹، تلفن: ۲۲۵۵۴۵۹۲



9 786002 965745